

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده علوم اجتماعی  
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی

عنوان:

# موانع درونی موفقیت NGOها در ایران

مطالعه موردی سه سازمان غیر دولتی موفق

استاد راهنما:

دکتر پرویز پیران

استاد مشاور:

دکتر هادی خانیکی

استاد داور:

دکتر محمد سعید ذکائی

دانشجو:

سید ناصر نوربخش

شهریور ۱۳۹۰

تقدیم به:

موسسان، فعالان و داوطلبان سازمان های غیردولتی ایران، که مدنی بزرگ را  
برای رفع مشکلات این کشور نشانه گرفته اند!

تقدیم به:

به پرویز پیران به خاطر سینه نون، کارآمد و روزآمدی که در جامعه شناسی به دانشجویانش آموختند، به مهدی خانگی که علم، اخلاق و  
مسئولیت پذیری را از او یاد گرفتم، محمد رضا شادرو محمد سعید دکانی که دقت در تحقیق را یادم دادند.

تقدیم به:

روح بلند محبتی کاشانی، موسس جامعه یابوری فرهنکی

تقدیم به:

دوستانم در انجمن ابوالمفاخر قاین و بنیاد توسعه فرهنکی سپهر که سال ها کار داوطلبانه را در کنارشان تمرین کردم

تقدیم به:

پدر و مادر، برادر و خواهرم که بزرگنمایی و فعالیت داوطلبانه را در وجودم کاشتند و تقدیم به همسا!

## چکیده

سازمان های غیر دولتی در شرایط فعلی جامعه ایران که با انبوه مسائل اجتماعی مواجه هستند، نقش و اهمیت ویژه ای دارند. این سازمان ها برای رشد و توسعه خود، با دو مانع اصلی بیرونی و درونی مواجه هستند. موانع بیرونی به شرایط جامعه و ساختارهای آن ارتباط دارد و موانع درونی به مشکلات ساختاری و سازماندهی درونی خود NGO ها مرتبط است.

این پژوهش، توجه خود را به موانع درونی معطوف کرده است و قصد پاسخ به این سوال اصلی را دارد که چه مشکلات و موانعی در ساختار درونی سازمان های غیر دولتی وجود دارد که باعث ناکارآمدی آنها شده است؟

در بین سازمان های غیر دولتی ایران، موسساتی هستند که تجارب موفق از خود به جای گذاشته اند و از طرفی هم تعداد زیادی از سازمان های غیر دولتی ناکارآمد بوده و موفقیتی نداشته اند. بر این مبنا محقق با توجه به تجربه زیست شده با سازمان های غیر دولتی، تعدادی از سازمان های غیر دولتی موفق را شناسایی نموده و سپس سه سازمان غیر دولتی موفق (موسسه محک، جمعیت خیریه تولد دوباره، جامعه یآوری فرهنگی)، جهت مطالعه و بررسی انتخاب می شوند.

محقق جهت پاسخ به سوالات اصلی تحقیق از روش مطالعه موردی بهره برده و تکنیک های مصاحبه عمیق، مطالعه اسنادی و مشاهده را به کار برده است.

از جمله نتایج تحقیق می توان به این اشاره داشت که ترکیبی از سازماندهی و تلاش غیرانتفاعی و خیرخواهانه موسسان و نیروهای داوطلب برای موفقیت سازمان های غیر دولتی ضروری است. به عبارت بهتر، در سازمان های غیر دولتی نمی توان از همان ابتدا سازماندهی صرف، به معنای آنچه که در سازمان های انتفاعی وجود دارد را به کار برد و وجود نیروهای مؤسس برای ایجاد اعتماد اجتماعی، نهادینه کردن موسسه و جذب نیروهای داوطلب ضروری است، ضمن آنکه هر سازمان غیر دولتی به موازات رشد و تعالی باید حدی از سازماندهی را به کار برد.

# شکر فراوان از:

- مدیران و بہکاران موسسہ محکم، جمعیت تولد دوبارہ و جامعہ یاورسی فرہنگی، بہ واسطہ بہکاری کہ با اینجانب در جمع آوری دادہ ہا داشتند.

- دکتر پرویز پیران بہ عنوان استاد رہنما و دکتر ہادی خانگی بہ عنوان استاد مشاور کہ فراتر از وظیفہ ہموارہ رہنمائیم کردند و پاس از استاد محترم داور، دکتر محمد سعید دکانی کہ صادقانہ در تمام کاریاریم داد.

- فیروزہ صابر، زہرا عمرانی و حسام الدین نراقی کہ در کنار استاد رہنما و مشاور، داوران علمی پژوهش بودند.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: طرح مساله
۱۰	- ضرورت و اهمیت موضوع
۱۲	- اهداف تحقیق
۱۲	- سوالات اصلی تحقیق
۱۵	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه تحقیق
۱۵	مبانی نظری تحقیق
۱۵	- سازمان های غیر دولتی (ngo)
۱۵	- تاریخچه سازمان های غیر دولتی
۲۱	- سازمان های غیر دولتی در ایران
۲۲	- سازمان های غیر دولتی، تعاریف و ویژگی ها
۲۵	- جامعه مدنی
۲۹	- دولت و جامعه مدنی
۳۱	- جامعه مدنی و جامعه توده وار
۳۲	- جامعه مدنی و ngoها
۳۶	- مشارکت
۴۹	- مدیریت ngoها
۶۲	پیشینه تحقیق
۷۲	فصل سوم: روش تحقیق و نحوه جمع آوری اطلاعات
۷۳	روش تحقیق
۷۷	- جامعه آماری
۷۷	- روش نمونه گیری
۷۸	- نحوه جمع آوری داده ها
۸۲	- نحوه تجزیه و تحلیل داده ها

۸۳	پایایی و روایی
۸۴	تعاریف مفاهیم اصلی
۸۸	نحوه ارائه گزارش تحقیق
۹۰	<b>فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها</b>
۹۱	معرفی و تاریخچه سه سازمان غیر دولتی
۱۰۱	بررسی ساختار درونی موسسات
۱۰۱	- رویکرد مشارکتی
۱۱۲	- ارتباطات و شبکه سازی اجتماعی
۱۲۳	- رویکرد کارآفرینانه
۱۲۶	- آموزش و توانمند سازی
۱۴۳	- منابع مالی
۱۴۶	- اطلاع رسانی و شفاف سازی عملکرد
۱۵۰	<b>فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری</b>
۱۶۱	پیشنهادات تحقیق
۱۶۱	مشکلات و تنگناها
۱۶۲	<b>منابع و ماخذ</b>
۱۶۶	<b>پیوست ۱: راهنمای تحلیل داده ها</b>

### فهرست جداول و نمودارها

۶۶	جدول شماره ۱: مقایسه انجمن ها بر مبنای ویژگی های اصلی
۷۹	جدول شماره ۲: رویکرد اصلی محقق در جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه
۷۹	جدول شماره ۳: مشخصات افراد مصاحبه شده
۸۱	جدول شماره ۴: رویکرد اصل محقق در مطالعه اسنادی
۸۲	جدول شماره ۵: رویکرد اصلی محقق در مشاهده
۱۳۴	نمودار شماره ۱: چارت سازمانی موسسه محک
۱۳۸	نمودار شماره دو: چارت سازمانی جمعیت تولد دوباره



## مقدمه

موضوع سازمان های غیردولتی چند دهه ای است که به یکی از موضوعات بحث انگیز در محافل دولتی و غیر دولتی تبدیل شده است. از سازمان ملل و بنیادهای بین المللی گرفته تا نهادهای دولتی، غیردولتی و نخبگان بر اهمیت توجه به این موضوع، به دلیل ظرفیت ها و آثار منحصر به فرد آن تاکید می کنند.

بررسی موانع درونی موفقیت سازمان های غیر دولتی که با نام NGO ها شهرت یافته اند، موضوع رساله ای است که به دنبال درک همین اهمیت و تاکید های فراوان بر آن مورد توجه محقق قرار گرفته است.

این سازمان ها جهت تحقق مشارکت اجتماعی شهروندان و دستیابی به یک الگوی پایدار از تلاش آگاهانه و عالمانه مردم برای تحقق اهداف اجتماعی حکایت دارند. الگویی که جای خالی آن البته به صورت مقتدرانه، در جامعه مدنی ایران بسیار احساس می شود. از طرفی آسیب های متنوع اجتماعی، کاستی ها و ضعف های بسیار جامعه، که دولتمردان هم از آن نگران هستند و هم در ایجاد آن با کمک بخش خصوصی خواسته یا ناخواسته نقش داشته اند، برای فعالان اجتماعی و دانش آموختگان دانشگاهی نگرانی هایی ایجاد کرده است. نگارنده معتقد است که جامعه ایران برای رفع این نگرانی ها راه حل های متنوعی در دستور کار قرار داده است که می توان به تلاش های سیاسی در انتخابات ها به عنوان راهکار اصلی اشاره داشت، اما بعد از ناکارآمدی یا عدم کفایت این شیوه ها، راه حل دیگری پیشنهاد می شود و آن هم جلب مشارکت مردم در عرصه های غیر سیاسی و غیراقتصادی است، مشارکت اجتماعی از نوع سازمان یافته که در قالب نهاد های غیر دولتی خود را نشان می دهد، اما این راه حل جدید خود مشکلاتی دارد و موانعی که باید برای آن تدبیری اندیشید. محقق بنا به تجربه خود در همکاری با سازمان های غیر دولتی و مطالعه ای که در احوال جامعه ایران داشته است، به این مهم دست یافت که از طرفی به وجود سازمان های غیر دولتی فعال نیاز است و از طرفی مشاهده می شد که این سازمان ها با وجود موانع بیرونی بسیار، از مشکلات درونی عمیقی رنج می برند، به گونه ای که موانع درونی NGO ها نقش بیشتری در ناکارآمدی آنها ایفا می کند.

در این شرایط که جامعه مدنی ایران به شدت سیاست زده است و به وجود NGO ها به عنوان رکن اساسی جامعه مدنی بیش از همه نیازمندیم، انجام پژوهشی کاربردی برای رفع این مشکل، حاصلش نگارش این رساله شد.

رویکرد اصلی محقق در این پژوهش پیدا کردن دلایل درونی موفقیت NGO ها از طریق مطالعه کیفی و عمیق الگوهای موفق سازمان های غیر دولتی ایران است که نتایج آن در این گزارش آمده است. وجود سازماندهی و مدیریت صحیح NGO ها، راهکار پایدار و بی بدیلی است که برای موفقیت سازمان های غیر دولتی پیشنهاد می شود.

فصل اول:

# طرح مساله

## طرح مساله

بحث از جامعه مدنی مدت هاست که در جامعه ایران همچون سایر جوامع مطرح شده با این ویژگی که در ایران جامعه مدنی با تعریفی ناقص شناخته شده است. به محض صحبت از جامعه مدنی عمده توجه به حوزه سیاسی، مشارکت سیاسی، انتخابات و حق حاکمیت مردمی معطوف می شود، در صورتی که این موارد تنها بخشی از جامعه مدنی است و وجه اجتماعی و غیر سیاسی جامعه مدنی مهمتر و پررنگ تر است. تشکل های غیر دولتی یا همان ngo ها بخش مهم جامعه مدنی هستند که متأسفانه در کشور ما مورد غفلت قرار گرفته اند یا توجه درستی به آن نشده است.

وضعیت فعلی کشورها و روند توسعه جهان بیش از گذشته اهمیت بخش غیر دولتی را نشان می دهد در واقع برای توسعه پایدار و حل بسیاری از مسائل اجتماعی، نهاد های غیر دولتی بسیار بهتر از دولت ها عمل کرده و کارنامه بهتری دارند.

اهمیت سازمان های غیر دولتی در جامعه مورد توافق است و در شرایطی که با ضعف در ngo ها مواجه هستیم انجام تحقیقات کاربردی در این حوزه بسیار تاکید می شود تا پاره ای از مشکلات و موانع توسعه ngo ها را مشخص نماید. این پژوهش با توجه به سوالات اساسی آن، به دنبال این خواهد بود که با ارائه نتایج کاربردی به رشد سازمان های غیر دولتی و تقویت آن در جامعه کمک کند.

تقویت جامعه مدنی و فعالیت تشکل های غیر دولتی در شرایط اجرای دستورالعمل های جهانی سازی برای دستیابی به توسعه بیشتر و حل مشکلات اجتماعی جزو ضروری هر جامعه ای است و به نظر می رسد که برای حل بسیاری از مشکلات اجتماعی به فعالیت تشکل های غیر دولتی نیاز باشد. از طرفی روند فعلی جوامع در کل دنیا به سمت خصوصی شدن و واگذاری امور به مردم است و این وضعیت برای جوامعی که از نهاد های مدنی ضعیفی برخوردارند چندان مطلوب نبوده و مشکلات و نارسایی هایی را ایجاد خواهد کرد. دلیل اصلی این توجه که اکنون بیش از سه دهه عمر دارد، به اجرای دستورالعمل های جهانی سازی باز می گردد. با توجه به ضرورت کوچک سازی دولت، خصوصی سازی گسترده و به ویژه قانون و قاعده زدایی از مسیر حرکت سرمایه، چنانچه این روند با قدرت گرفتن نهاد های جامعه مدنی، حقوق بشر، رشد دموکراسی و به خصوص مطبوعات

ناظر، همراه نباشد، بخش خصوصی به آنچنان قدرتی دست می یابد که تمامی حقوق انسانی را زیر پا خواهد گذارد. راه حل این وضعیت تقویت نهادهای واسط و معرف مردم و تشکل های مردمی است. از طرف دیگر تجربه ثابت کرده است که دولت ها بدون حرکت سازماندهی شده و تشکیلاتی مردم نمی توانند مسائل اجتماعی جوامع را مرتفع سازند، لذا تقویت جامعه مدنی و فعالیت تشکل های غیر دولتی راهکاری اساسی و بدون جایگزین است.

اساساً از دهه ۸۰ میلادی به علت تغییرات گسترده در نظام جهانی و ضرورت تاکید بر توسعه درون زا و برآمده از مردم، نقش دولت ها به ناچار کم رنگ می شود و این خلا را باید بخش خصوصی با نظارت مردم پر کند. در واقع فجایع ناشی از تمامیت خواهی دولت ها که اوج آن در جنگ های جهانی بود مردم را به نقش پذیری در جامعه و دفاع از حقوق خویش وادار کرد. دولت ها بیش از پیش احساس کردند که خود مردم در قالب سازمان های ایجاد شده باید در فرایند توسعه و اداره جامعه دخالت داشته باشند. «سازمان های غیردولتی اعتراضی است آگاهانه به عملکرد دولت ها و نهادهای رسمی که در چارچوب بندهای قانونی خود تنیده، گرفتار آمده اند و روز به روز از قدرت و کارایی شان برای حل مسائل و معضلات بشری کاسته شده است و اکنون بخش هایی عظیم در درون آنها تنها به حل معضلات درونی خود آن نهادها مشغولند. در چنین فضایی سازمان های غیردولتی با جمع شدن انسان هایی که با درک عمیق مشکلات خاص جامعه شان سازمان می یابند، باهدف حل معضلات اجتماعی بدور از حمایت، هدایت و تحکیمات آمرانه نهادهای رسمی و دولت هایی که اغلب نمی خواهند به ضعف عملکرد و توان خود اعتراف کنند، پدید می آیند» (پیروزنیا، ۱۳۸۸:۱).

بی شک بحران های سرمایه داری و مشکلاتی که به واسطه رشد سرمایه داری دولتی ایجاد گردید باعث توجه بیشتر به بخش خصوصی و فعالیت تشکل های غیردولتی شد. در زمینه اقتصادی سرمایه داری خصوصی و مستقل از دولت شکل گرفت و رشد خود را ادامه داد، دولت ها رفته رفته کوچک تر شدند و امور تدریجاً به مردم واگذار شد. این خصوصی سازی در زمینه اقتصادی همگان را مجاب کرد که در حوزه مدنی و اجتماعی نیز باید خصوصی سازی صورت گیرد یعنی مردم در

قالب تشکل های سازماندهی شده، در این حوزه ها نیز باید دخالت داشته باشند تا بتوانند حقوق خویش را استیفا کنند.

البته این به معنای عدم وجود گروه ها و سازمان های غیر دولتی پیش از این نیست، بلکه در گذشته فعالیت های گروهی در جوامع بوده است اما فاقد سازماندهی بوده و دیگر اینکه بعد از جنگ جهانی و ایجاد سازمان ملل متحد اهمیت وجود تشکل های غیر دولتی بیشتر از گذشته احساس شد به این دلیل که مشکلات پیش آمده تاثیر بین المللی داشتند و ملت ها به علت تاثیر پذیری از همدیگر نمی توانستند نسبت به وضعیت ملتی دیگر سکوت کنند. «پس از پایان جنگ جهانی دوم و هم دوش با تحولات مرتبط با ایجاد سازمان ملل، مفهوم سازمان غیر دولتی نیز از فراگیری بیشتری برخوردار شد. هر چند نام این نهاد در منشور ملل متحد ذکر نشده، اما ماده ۷۱ این منشور، در حالی که به وظایف و اختیارات شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) می پردازد، نام سازمان های غیر دولتی را نیز به عنوان نهادهایی که شورا می تواند از ظرفیت های آنان جهت کسب اطلاعات دست اول و بهینه از وضعیت مناطق مورد نظر خود، استفاده نماید، مطرح می کند» (گلشن پژوه، ۱۳۸۶: ۱۰).

«در سطح بین المللی، واژه NGO، برای نخستین بار در قطعنامه شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل (UNESCR) در فوریه ۱۹۵۰ این گونه مورد استفاده قرار گرفت: هر نوع سازمان بین المللی که با موافقت دولتی ایجاد نشده باشد سازمان غیر دولتی محسوب می شود. از آن پس واژه NGO برای انواع متعدد سازمان هایی که در درون مرزهای هر کشور فعالیت می کنند به کار گرفته شد» (سازمان ملل، ۱۹۹۹، به نقل از سعیدی، ۱۳۸۲: ۳۹).

در کشور ما تدریجاً از اواسط دهه ۷۰ بحث خصوصی سازی ابتدا در زمینه اقتصادی مطرح شد و در سال های اخیر با رشد به اصطلاح خصوصی سازی مواجه بوده ایم. آنچه که کمتر توجهی به آن شد، خصوصی سازی و واگذاری امور در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی بود. در واقع هنوز این نیاز احساس نمی شد که سازمان های مردم نهاد و NGO ها، برای حل مشکلات اجتماعی مناسب ترین گزینه هستند. از اواخر دهه ۷۰، توجه به NGO های فعال در زمینه های غیر اقتصادی، مطرح و هم اکنون تعداد زیادی از تشکل های غیر دولتی ثبت شده اند. در ماده ۱۸۲ برنامه سوم توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز بر تقویت تشکل های غیر دولتی با هدف زمینه سازی برای واگذاری اعمال تصدی دولت به آنها و تقویت نظارت های سازمان یافته مردمی بر فعالیت های دستگاه های دولتی تاکید شده است.

«سازمان های غیر دولتی در نزد بسیاری از مردم و کشورهای درحال توسعه، پدیده ای جدید و وارداتی تلقی گردیده، با آن برخوردی محتاطانه و گاه منفی می شود. این گونه برخورد ها که در برداشتی خوش بینانه ناشی از نشناختن مردم و انگیزه های آنان برای رسیدن به جامعه ایده ال است به سکون و یا کم تحرکی افراد جامعه انجامیده، کشور را از داشتن هسته های فعال پر انگیزه و بی توقع مردمی محروم می سازد» (غفاری، ۱۳۸۵: ۱۷۴).

روند تاسیس و فعالیت نهادهای غیر دولتی در ایران در دو دهه اخیر رو به رشد بوده اما این رشد بیشتر در کمیت صورت گرفته و بسیاری از تشکل های واقعاً غیر دولتی در اندک زمانی نابود شده اند یا فعالیتی را از جانب آنها شاهد نبوده ایم. از طرفی بسیاری از تشکل های غیر دولتی، شبه دولتی هستند و با کمک دولت تاسیس و با بودجه دولتی فعالیت می کنند.

«سازمان غیردولتی مفهومی است که نه می توان تعریف خاص، دقیق و جامعی برای آن قائل شد و نه تاریخچه ی پیدایش معینی دارد. با این حال رشد بی سابقه ی این گونه سازمان ها و کارکرد خارق العاده ی آنها در حل معضلات و ناهنجاری های بشری خاصه در شهرها، باعث شده است تا این نهاد جامعه ی انسانی، از مفهومی تقریباً ناشناخته با حیطه ی وظایفی ثابت و محدود، به گونه ای شگفت آور تغییر یافته و به بازیگری قدرتمند در عرصه ی ملی و بین المللی و توانایی تاثیر گذار - گاهی همدوش دولت ها و سازمان های بین المللی و فعال جهانی - تبدیل شود» (گلشن پژوه، ۱۳۸۶). محققان تعاریف متنوعی برای سازمان های غیر دولتی ارائه داده اند اما تمامی این تعاریف به ویژگی هایی مشترک اشاره دارند. در تعریف سازمان های غیر دولتی (NGO)، موارد زیر عنوان شده است:

- داشتن عضویت داوطلبانه و اختیاری
- غیرانتفاعی بودن
- عدم وابستگی به دولت

- غیر سیاسی بودن
- مشارکتی بودن
- داشتن شخصیت حقوقی و سازمانی

این ویژگی ها کلیاتی هستند که هر سازمانی که ادعای NGO بودن دارد، باید دارا باشد.

مساله و سوال اصلی که در اینجا مطرح می شود نقش و کارکرد سازمان های غیر دولتی است. در واقع اگر سازمان های غیر دولتی برای رفع مشکلات و کاستی های ناشی از دو عامل رشد سرمایه داری و خصوصی سازی و قدرت مطلقه دولت، ایجاد شده اند آیا توانسته اند از مشکلات ایجاد شده بکاهند؟ به عبارت دیگر سازمان های غیر دولتی چه نقشی در جامعه بازی می کنند که باید به آنها توجه داشت؟

پاسخ به این سوالات را با توجه به ویژگی های سازمان های غیر دولتی می توان داد. سازمان های غیر دولتی نزدیک ترین سازمان به مردم هستند، این سازمان ها با اهداف غیر سیاسی و داوطلبانه ای که دارند بهتر از هر نهاد دیگری می توانند مشکلات اجتماعی و فرهنگی جوامع را رفع کنند. مدیریت مشارکتی و فعالیت داوطلبانه در این شکل ها باعث می شود که تمامی اقدامات به سمت هدف اصلی سازمان متمرکز باشد و به همین دلیل اهداف سازمان های غیر دولتی، غیر انتفاعی و عام المنفعه می باشد. اما وجود مشکلات اجتماعی و انبوهی نارسایی ها صرفاً نشانه ضعف سازمان های غیر دولتی در جوامع نیست بلکه باید به این مهم توجه داشت که عوامل مشکل ساز و مساله آفرین در جوامع که عمدتاً از جانب دو دسته قدرتمند، یعنی دولت ها و بخش خصوصی ایجاد می شود به حدی است که سازمان های غیر دولتی با وضعیت فعلی توانایی رفع این مشکلات را ندارند. این دو دسته با اغراض شخصی و منافع اعضای محدود خویش به دنبال قدرت سیاسی و اقتصادی هستند و در این راه با تمام توان اقدام می کنند پس باید مردم نیز به عنوان بخش اجتماعی در قالب سازمان های غیر دولتی به دنبال نهادمندی و افزایش قدرت خویش باشند تا توان مقابله با مشکلات جامعه را کسب کنند. برای تشخیص کارایی سازمان های غیر دولتی بهتر است که به مقایسه جوامعی که دارای نهادهای مدنی قوی و متکثر هستند با جوامع فاقد این نهادها پرداخت تا نقش سازمان های غیر دولتی در تحقق اهداف توسعه و ارتقا کیفیت زندگی جوامع شناسایی شود.



«برخی دلایل و نمود های عینی موفقیت و برتری سازمان های غیر دولتی در خدمات رسانی به توسعه اجتماعی و فرهنگی عبارتند از:

الف) سازمان های غیر دولتی کشورهای شمال توانسته اند در جهت کمک به توسعه، اقدامات قابل ملاحظه ای انجام دهند.

ب) آنها توانایی رسیدگی به نیازمندان به ویژه در مناطق دور دست را دارند.

ج) این سازمان ها از توانایی نوآوری و خلاقیت عملی برخوردارند که معمولاً برای سازمان های دولتی مشکل است.

د) این سازمان ها نماینده مردم هستند و ارتباط نزدیکی با قشرهای ضعیف تر جامعه دارند.

ه) آنها از مهارت های مشارکتی برخوردارند. افزون بر آن از آنجایی که منابع آنها به شدت رو به افزایش است نه تنها قادرند شکاف های طبقاتی را به حداقل برسانند بلکه می توانند در واکنش به شکست بخش های عمومی و خصوصی خدمات عمده ای صورت دهند» (سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۰).

در زمینه مسائل اجتماعی ایران تحقیقات گسترده ای انجام شده و ایران به خاطر جوانی جمعیت و بسیاری عوامل دیگر با مسائل اجتماعی فراوانی روبه روست. مسائلی مثل اعتیاد، فقر، بیکاری، مسائل زیست محیطی، مشکلات زنان، مشکلات حوزه سلامت، سالمندی و... همه جزو مسائلی است که هم اکنون بخش عمده ای از توان مالی و انسانی دولت را به خود اختصاص داده و سعی در کنترل آن دارند. در بسیاری از زمینه ها نیز به علت انفعال بیش از حد مردم دچار عقب ماندگی هستیم، مواردی مثل عدم روحیه مشارکتی، انزوا و تکروی، فقدان کار گروهی موفق، کم بودن سرانه مطالعه، ضعف در شادی و اوقات فراغت و... . گرچه موارد فوق برای بسیاری جزو مسائل اجتماعی محسوب نمی شود اما نگاه جامعه شناختی باعث خواهد شد که این موارد را نیز به عنوان مشکلات قابل توجه اجتماعی در نظر بگیریم، مشکلاتی که تاثیر عمیق و ریشه داری بر جامعه خواهند گذاشت.

ادعا این نیست که مردم در شکل گیری و گسترش مشکلات اجتماعی به تنهایی نقش دارند و باید متذکر شد که تصمیمات نادرست و ناکارآمد از بالا نیز در شکل گیری مشکلات اجتماعی جامعه ایران نقش به سزایی داشته است، با این وجود هرگز نمی توان نقش مهم مردم را نادیده گرفت باید

گفت انفعال و بی تفاوتی و عدم سازماندهی شهروندان نه تنها در ایجاد مشکلات موثر بوده بلکه دولتمردان و بخش خصوصی از این غفلت، خواسته یا ناخواسته بهره برداری کرده و با اتخاذ تصمیمات نادرست به این وضعیت دامن زده اند، بنابراین مردم آگاهانه یا ناآگاهانه در شکل گیری هر وضعیتی (خواه مطلوب یا نامطلوب) نقش اصلی را دارند.

نکته مهم آن که در جوامعی مثل ایران همواره اقدامات اصلاحی به شکل حرکت های فردی، مقطعی و قهرمانانه وجود داشته اما اقدام پایدار و بلند مدتی را شاهد نبوده ایم. بسیاری ضعف جامعه ایران را در شهروندی، مشارکت مدنی و فقدان فعالیت های اجتماعی سازماندهی شده می دانند. این مشکل در شرایط فعلی هم وجود دارد. هر ازگاهی در گوشه و کناری از این جامعه فعالیت های اجتماعی با محوریت یک فرد شکل می گیرد و البته به سختی دوام می یابد. از طرفی نه تنها شرایط مانع سازماندهی توان ها و افراد فعال می شود بلکه خود فعالان اجتماعی نیز به علت ضعف تاریخی جامعه ایران، نه تمایلی به انجام کار سازماندهی شده و تشکیلاتی واقعی دارند و نه مهارت لازم را برای موفقیت در این عرصه دارا می باشند. «با نگاهی به تاریخ گذشته سازمان های غیردولتی خواهیم دید که علی رغم وجود این سازمان ها به گونه های متفاوت و در قالب گروه های خیرخواهانه و داوطلب مردمی از جمله خیریه های سنتی و یا هیئت های مذهبی، در طول صدها سال که از شکل گیری سنتی این گونه سازمان ها می گذرد، آنها هیچ گاه از انسجام و از یک ساختار نظام مند بهرمنند نبوده اند که این امر موجب بروز آسیب های فراوانی به جوامع و این حرکت فرهنگی شده است» (رفیعی، ۱۳۸۷: ۱).

به اعتقاد محقق، اکنون جامعه ایران در این خصوص با دو مشکل عمده مواجه است که هر یک در بازتولید دیگری نقش به سزایی داشته و همبستگی قوی دارند. نخست آنکه موانع بیرونی برای شکل گیری سازمان های غیر دولتی وجود دارد و دیگر این که سازمان های غیر دولتی شکل گرفته نیز به علت ساختار سنتی، معیوب و ناکارآمد نتوانسته اند به موفقیت برسند. مشکل اول مربوط به شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه است. در این حوزه مسائلی مثل ضعف جامعه مدنی ایران، سخت گیری های سیاسی و تمامیت خواهی دولت، بسته بودن جامعه، ساختار محدود کننده قانونی و دیوانسالاری دست و پاگیر، مشکلات اقتصادی جامعه و... مطرح می شود و تحقیقات متنوعی نیز در

این حوزه صورت گرفته است. متأسفانه یا خوشبختانه عمده توجه در خصوص جامعه مدنی ایران و گسترش نهادهای غیر دولتی مربوط به این حوزه و حذف موانع بیرونی بوده است. محققان همواره در تبیین ناکارآمدی تشکل های غیر دولتی ایران و ضعف جامعه مدنی از این شرایط سخن گفته و کمتر به مسائل دسته دوم که همان عوامل درونی است توجه داشته اند.

متأسفانه ساختار معیوب و ناکارآمد تشکل های غیر دولتی ایران که می تواند ناشی از فقدان مدیریت صحیح، نبود آموزش و توانمند سازی و ضعف در کار گروهی باشد شرایطی را ایجاد کرده که تشکل های غیر دولتی به معنای واقعی، یا شکل نمی گیرند و اگر هم شکل بگیرند ناکارآمد و کم دوام خواهند بود. به اعتقاد نگارنده این مساله به علت غفلت محققان و متولیان امر به یکی از مشکلات کلیدی و عوامل اصلی موفقیت NGO ها در جامعه مدنی امروز ایران تبدیل شده است. تحقیق حاضر ضمن مهم دانستن مشکل نخست، تمرکز خود را بر روی مورد دوم قرار داده است.

مساله این است که از طرفی مشکلات اجتماعی در حوزه های مختلف افزون شده و جامعه به فعالیت NGO ها نیاز دارد و از طرف دیگر مردم و سازمان های مردم نهاد، توانایی و ظرفیت فعالیت را ندارند. در واقع بسیاری از سازمان های مردم نهاد فقط تاسیس شده اند و بسیاری از آنها در همان ابتدای فعالیت منحل شده یا اقدام چشم گیری از جانب آنها شاهد نبوده ایم.

در حوزه اجتماعی به علت نوپا بودن سازمان های مردم نهاد با مشکلات بیشتری مواجه هستیم در این بین معدود NGO هایی هستند که اقدامات گسترده ای انجام داده و در زمینه تخصصی خویش موفق بوده اند.

مساله اساسی محقق این است که در شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یکسان برای همه NGO ها چگونه و چه عواملی باعث می شود که برخی از NGO ها به موفقیت برسند و تعداد زیادی نیز با شکست در فعالیت های خویش مواجه گردند؟ اعتقاد بر این است که NGO ها از شرایط بیرونی و سیاست های کلان دولت ها تاثیر پذیرفته و از طرفی شرایط درونی نیز در رشد و انحطاط NGO ها موثر اند، با توجه به این پیش فرض، مساله این تحقیق شکل می گیرد به گونه ای که شرایط درونی NGO ها چگونه باعث موفقیت یا عدم موفقیت یک تشکل می شود؟ و چه شرایطی درونی بر NGO های موفق حاکم بوده که دچار شکست نشده اند؟ از طرف دیگر با وجود آنکه در بسیاری از

کشورهای دموکراتیک و با پشتوانه قوی جامعه مدنی، ngoها اداره کننده و هدایت کننده بخش های مهم جامعه هستند، سوال این است که چرا در ایران با ضعف جدی در این زمینه مواجه هستیم و چگونه می توان ngoها را از درون تقویت کرد و رشد و تعالی آنها به چه عواملی بستگی دارد؟

ناگفته نماند که در این تحقیق توجه به ngoهایی است که در زمینه اجتماعی و فرهنگی فعالیت می کنند، سعی شده است که از انتخاب ngoهای مذهبی که دلیل شکل گیری آنها چیزی ورای نظریات موجود درباره جامعه مدنی است پرهیز شود و تشکل هایی بررسی شده اند که رویکرد اجتماعی و فرهنگی دارند و برای حل مسائل اجتماعی فعالیت می کنند.

### ضرورت و اهمیت موضوع

تجارب توسعه جهانی و ناکامی الگوهای دولتی گذشته در حل مسائل اجتماعی حاکی از آن است که رویکرد صرف دولتی برای تحقق توسعه پایدار و رسیدگی به مسائل اجتماعی چندان کارا نبوده و به جای آن خود شهروندان در قالب سازمان های غیر دولتی باید به دنبال رفع مشکلات موجود باشند.

«جهانی سازی از بالا و با اهداف و انگیزه های اقتصادی که با غارت منابع ملی و امکانات جوامع کمتر توسعه یافته همراه گردید، هشدار بود برای توجه بیشتر به آثار منفی جهانی سازی و پیش بینی اقدامات سنجیده ای در این زمینه. علاوه بر تاکید ضرورت تقویت جامعه مدنی و نهاد های آن، به ویژه سازمان های اجتماع محور و سازمان های غیر دولتی، مباحثی چون سرمایه اجتماعی که ستون فقرات آن اعتماد مردم به دستگاه حاکم بر کشور است مورد اشاره قرار گرفت. ... تاکید بر شهروند مداری در عین حال تاکید جدی بر مساله مشارکت واقعی و فعال است. افزودن واژه فعال و واقعی به مفهوم مشارکت، گویای ناکافی دانستن مردم سالاری برپایه نمایندگی یا مردم سالاری سنتی است. به همین دلیل سخن از مردم سالاری مشارکتی به میان آمده است» (پیران، ۱۳۸۲: ۱۱۳-۱۱۴).

یکی از روش های تحقق مشارکت واقعی و فعال مردم، عضویت در نهاد های غیر دولتی و فعالیت در آن هاست که زمینه مشارکت فعال در سایر عرصه های اجتماعی و سیاسی را هم فراهم می کند.